

## اماکن غور

۳۰- قره باغ غور هم قرار معلوماً مستتر فریه یکی از پایتخت های سابق غور بوده است. مشاراً لیه در سفر نامه خود می نویسد که شهزاده سعادت ملوک که حکمران منطقه شهرک بود، بمن گفت که شهر قره باغ که آن طرف تر وقوع دارد شهر قدیم بود و با خرابه های زیادی محاط گردیده و فعلاً هم باشندگان زیادی دارد و چنان سکه های طلا و نقره در آنجا بدست آمده است که سکه به آن بزرگی در زمانه ما کمتر دیده می شود زیرا بنا بر بیانات او قطر آن قریب سهونیم انچ تخمین شده است. شهزاده مذکور یکی از آن سکه ها را به میجر تاد نشان داده بود و میجر مذکور گفته بود که بالای آن سکه ها صورت اسکندر کبیر نقش شده است. وجود خرابه هادر مرکز حاصل خیز مملکت نشان میدهد که قره باغ همانا شهر نساء بوده و امروز بنا بر برک و کبرک خود مشهور می باشد. (۱)

بار تولد هم در جغرافیای تاریخی خود از قره باغ نامی برد و بر اقوال فریه که فوقاً نگارش یافت استناد می ورزد اما چیزی بدان نمی افزاید.

دولت یار شرقی ترین آبادی مربوط ولایت هرات است و ۲۱، دولت یار و چغچران \* می توان آن را دروازه غربی حصار کهستانی هزاره جات خواند، رباط دولت بار از پنج ایوب مرکز دهزنگی ۱۵۳ کیلومتر و ماهی پر ۱۵۸ کیلومتر فاصله دارد. اهالی آن تیمنی و در حدود (۲۰۰) خانواده می باشند. دولت یار از نقطه نظر اداری مربوط به حکومت درجه سوم چغچران است که مرکز آن کاسی نام دارد.

چغچران از طرف شمال محدود است به «بند سیاه توپ» در دامنه های جنوب کوه مذکور چارصد و در دامنه های شمالی آن ماغ علاقه مهمند افتاده است بطرف جنوب

(۱) ص ۲۴۰ سفر نامه فریه ترجمه انگلیسی.

آنکه فریه قره باغ غور را نساء خوانده است اگر مقصدش از شهر تاریخی نساء باشد البته واضح است که درین تخمین خود مرتکب اشتباه گردیده.

\* از شماره ۲۱ تا شماره ۳۲ عبارت از معلوماتی است که از سفر نامه بناغلی که زاد تخلص و اقتباس می شود تا از یک جانب بر برخی از مسایل عمومی مربوط به غور روشنی افتد و از جانب دیگر درباره غور و نواحی امروزه آن هم فکر عمومی می پیش خوانندگان محترم قایم گردد.

چغچران بندبایان واقع است. (بک مناره بسیار بلند و باشکوهی در موضع بیدان بکناره شمالی دریاباهیببت عجیبی برپاست. این مناره به حصه اندرونی خود همراه داشته و از آن راه تماشا می‌ها به نقطه آخرین آن برای تماشای روند روی مناره با او آن مختلف رنگ داده شده و در آن بعضی از آبات کریمه و احادیث شریفه نوشته شده است) بندبایان دامنه بندواخان است که افق جنوبی را محدود ساخته است بعضی ها آن را فیروزکوه یا فیروزه کوه هم می‌نامند بظرف شرق چغچران دولت یا روبه جانب غرب آن شهرک واقع است و شمال غرب آن آقا گنبد - الله یا رو کورج و قانس واقع می‌باشد.

اهالی چغچران عموماً فیروزکوهی می‌باشند بعضی ها تصور کرده‌اند که جد آنها فیروز نام داشته ولی چنین نیست بلکه شاخه از باشندگان اصیل و اصلی غورند. خودشان خود را احفاد ملکان غور دانسته و سلاله نسب خود را به غلجی‌ها پیوست می‌کنند. فیروز کوهی اسمی است نسبتی از روی شهر (فیروز کوه) مرکز سلاله های غوری یا از روی نام کوه (فیروز کوه) یا (فیروزه کوه) بمیان آمده :

بیلو در کتاب و تجسس در باب نژادهای افغانستان تعداد ایشان را در حدود بیست هزار خانه نوشته و آنهارا بدو حصه بزرگ تقسیم می‌کنند یکی (درازی) یا (دروزی) و دیگری (محمودی) و می‌گوید که دروزی شاخه مهم آنست که تقریباً ۱۲ هزار خانه می‌باشد خود مردم فیروز کوهی خود را بدسته‌های ذیل تقسیم می‌کنند : سلطان بار - الله یار - خدایار اولادیک پدر و شاخه‌های یک قبیله‌اند. زای رضا، زای حسین، زای حاکم. دسته اخیر الذکر خود را اچکزائی می‌دانند یار فولاد شیخ ادهم مرکز عمده ره‌ایش فیروز کوهی‌های چغچران است.

تیمنی‌هایش از (۲۰۰) خانه در نقطه اخیر الذکر نمی‌باشند و مرکز نقل ره‌ایش آنها جنوب غرب غور است و جمعیت تیوره مرکز حکومت کلان غور عموماً از ایشان تشکیل شده است.

فیروز کوهی‌ها و تیمنی‌ها باشندگان اصیل کهسار غورند و بلاشبه در دوره جلال و عظمت (فیروز کوه) به حاشیه اطراف چغچران و دولت یار و بعضی نقاط دیگر هم پراکنده و متمرکز شده‌اند و قراریکه خودشان اظهار می‌کنند به کتله غلجی پشته‌انه مربوط می‌باشند. هر دو تپدر مؤرخین تیمنی‌های مارا به اسم توامنی یاد کرده

يك دفعه ایشان را بین زرنجی ها (اهالی زرنج و حوزه هیرمند) و بونی ها قرار می دهد و دفعه دیگر باز زرنجی ها، پارتی ها، هیرکانی ها و خوارزمی ها یکجا نام می برد. از مؤلفین قدیم استغفان که او هم در حقیقت گفته های هرودوت را تکرار می کند از آنها یاد آوری می کند. تهمانی متذکره هرودت با مختصر تحریفی تا امروز بصورت تیمنی باقی مانده و بشرحی که نوشته شد عده مختصری از ایشان در دوات یار و عده کثیری در کوه پابه های غور زندگی دارند.

فیروز کوهی قراریکه گفتم اسمیست نسبتی و وضعی و نسبتاً جدید شاید (اوتی های) متذکره هرودت ایشان باشند. تیمنی ها را بدو شاخه بسزرگ تقسیم می کنند که یکی قبچاق و یاد بگری را در زانسی گویند و احتمال دارد عبارت از همان درازی با دروزی باشد که بیلو آنرا یکی از دو شاخه فیروز کوهی خوانده. به هر حال این شاخه خواه جزئی از فیروز کوهی خواه قسمتی از تیمنی باشد هر دو از آنها بنام درو سونی یاد کرده و شهر معروف آنها را تیباره خوانده و این شهر همان تیوره یا تیواره مرکز غور است که بعداً از آن ذکر خواهد شد.

چنانچه قبلاً اشاره شد مرکز چغچران است و از دولت یار ۶۷ کیلومتر فاصله دارد. کاسی و قشلاق های مربوطه

۲۴- کاسی

آن اصلاً در شمال مجرای هریرود واقع است ولی مرکز حکومتی چغچران با محوطه بزرگ مربع آن در دهن (کنند دیوال) تقریباً به (۳۰۰) متری سواحل جنوب رودخانه آباد شد است بطرف شرق کاسی (قطس) بطرف غرب آن (سونک) و (الند) بطرف شمال آن غلمین و بجنوب آن هریرود جریان دارد. از مر بوطات آن یکی شیله (کنند دیوال) است که از وادی کاسی به دامنه و داخل رشته (بندبایان) پیش رفته است و (اختوخانه) یکی از دهکده های مهم آنست. روی هم رفته دره کاسی را به سه حصه سفلی و وسطی و علیا تقسیم می کنند تقریباً (۳۰۰) خانه در آن آباد است و باشندگان آن فیروز کوهی و از شاخه های خدایار و شیخ وادهم می باشند.

۲۳ - غر جستان  
 غر جستان هم مانند غور یکی از آشیانه های سنگی کشور  
 ماست که داخل شدن در آن از اشکال خالی نیست و در اسمای غور

و غر جستان کلمات (غر) و (غرچ) هر دو به معنی کوه است و این خود نشان می دهد  
 که سلاسل جبال در تشکیل اراضی این دو جا چقدر دخیل است. غر جستان و غور  
 دختران کو و خواهران هم دیگرند و هر دو بر روی تقریباً شبیه بهم در تاریخ افغانستان  
 بازی کرده اند. این دو علاقه دشوار گذار مامن آزادی و کانون حریت و استقلال  
 بوده و در مواقع بسیار مشکل تاریخ امرای محلی این دو جا به عناوین (شار غر جستان)  
 و (غور شاه) پرچم آزادی را فر از قله های بلند جبال نگه داشته و تهاجم بیگانگان  
 را با ضربات سخت جواب گفته اند.

غر جستان یکی از قطعانی است که مانند غور معلومات مادر اطراف آن خیلی محدود  
 می باشد غر جستان از طرف شمال محدود است به بند سیاه توب و بند سرد درخت نابالای مرغاب.  
 بطرف جنوب آن گنبد افتاده شرق آن را رود مرغاب محدود ساخته و بطرف غرب آن  
 (دهن کوچه) مربوط (تارس) حکومت درجه سوم قلعه نواقع است.

غر جستان از دره های ذیل تشکیل شده ۱ : دره قباق - ۲ : دره لغرا  
 آب این دره به اشپار یکجا شده و به رودخانه مرغاب می ریزند ۳ : دره سرتور  
 که آب آن با دره ها نه (ده تور) به رودخانه مرغاب یکجا می شود ۴ : دره کودیان  
 آب آن با آب چونند مخلوق شده مجموعه آن در نقطه میو سوم به چارچاق  
 به رودخانه مرغاب می ریزد و این مجموعه در نواحی نواحی مرغاب و نواحی مرغاب  
 به رودخانه مرغاب یکجا می شود

اهالی غر جستان صده دره میوه دار را گویند  
 صده چار صده - نوصده  
 و از چهار آن : (۱) صده مرغاب ،

(۲) صده ملیبخ و کنداغ (۳) صده فلاخرو (۴) صده خفک می باشد که علاقه  
 بنام چار صده تشکیل و معروف گردیده و علاقه است گرم سیر و اشپار میوه دار زیاد دارد ؛  
 پنج صده دیگر عبارتست از قباق - سرتور - کوربان - چونند و لغرا و یولان تاغ و عبارت است  
 از دره های پنج جانبی که از مجموع آن غر جستان تشکیل گردیده است. این هم نا گفته

نماند که غر جستان تاریخی مجموع چار صده و پنج صده هر دور ادر بر گرفته و از نو صده تشکیل شده ولی امروز چار صده آن بنام یک علاقہ مهم شهرت دارد. اهالی غر جستان تاجک و فیروز کوهی می باشند.

معمولا اهالی محلی امروزی کلمه غور را در مورد تیوره  
**۳۴- تیوره** استعمال می کنند اما همه می دانند که غور از خود مفهوم  
 جغرافیائی و تاریخی و اداری علیحده داشته. تیوره مرکز حکومت کلان غور  
 به ۱۲۸ کیلو متری گذر بام بین نقطه انشعاب سرك غور و هرات و به ۱۸۵ کیلومتری  
 کاسی مرکز چغچران واقع است، تیوره در قسمت وسطی دره افتاده که آنرا دره یخن  
 گویند و از شمال شرق به جنوب غرب ممتد است تیوره محوطه کپستانی است و زمینی  
 آن سراسر تپه زار است. پیشتر گفتیم که تیوره در حصه وسطی دره یخن واقع است از گوشه  
 جنوب شرقی دره دیگری در اینجا باز می شود موسوم به خواجه غار: آبهای خواجه غار  
 و یخن یک کیلو متر با یکدیگر از مقر حکومتی باهم یکجا می شوند در مثلثی که  
 میان سواحل راست و چپ رود خانه خواجه غار و حصه علیا و سفلی رود خانه یخن  
 واقع است تپه هائی افتاده این تپه ها به رشته کوه های پنج شاخ در افق جنوبی و بکوه سفید  
 در افق شرقی متکی می باشد چون این تپه ها از تدره های خواجه غار و یخن  
 بلندتر و از تهدید سیلاب ها در امان بود آبادی های قدیمه روی آنها و متصل به کوه های  
 عقب آن آباد بود:

دورشته کوه بلند در شمال و جنوب تیوره واقع است که عبارتند از کوه تنگی چک  
 و کوه پنج شاخ. تنگی چک کوه مذکور را شق کرده و دره تنگی تشکیل داده که  
 آنرا دره سور یا سوری گویند و به پای قله بلند چهل ابدال منتهی می شود  
 گردنه کوهی که میان پنج شاخ و کوه تنگی چک افق مشرقی تیوره را گرفته  
 آنرا کوه سفید خوانند و از آخر دره خواجه غار تا کوپان منبسط است.

یکی از بلندترین قله کوه سار غور است که بشمال تیوره عقب جدار شمالی  
**چهل ابدال** دره یخن فراز دره و علاقہ سوری مانند مخروط گلایی در هوا بلند رفته این  
 قله را جنرال فریه تقریباً صد سال قبل دیده و بنام چلپ دالان یاد کرده و در باره آن  
 نوشته که چلپ دالان یکی از بلندترین قله های روی زمین است ۴۴.  
 هولدچر در کتاب خود موسوم به دروازه های هند این قله را به تلفظ صحیح آن چهل ابدال

یاد می کند و می گوید که راه مرتفع و خوبی بطرف خواجه چشت رفته و این راه بعد از تپه های میان زرنی و تیوره در زیر سایه کوه قابل ملاحظه عبور می کند موسوم به چلپ: الان با چهل ابدال که روایات و اسرار زیاد اطراف آنرا گرفته اند ارتفاع این قلعه همان طوریکه هرلدچ نوشته از ۱۲۷۰۰ فوت یعنی از ۴۰۰ متر تجاوز نمی کند در قلعه این کوه زیارتی است و تمام کوه و قلعه آن بواسطه همین زیارت به چهل ابدال شهرت یافته است. چهل ابدال و چهل ملنگ در تسمیه بعضی از کوه های غور مدخلیت دارند چنانچه در حصه سفلی دره یخن بالای تیغه کوهی که میان دره یخن و وادی (آنه) افتاده کوهیست موسوم به کوه مزار و یکی از قلعه های آنرا چهل ملنگ گویند و آنجا هم زیارت می باشد. مقر حکومت کلان غور در تیوره قلعه بسیار بزرگ مستطیل شکلی است که از عمر آن هم دو صد سال می گذرد تپه که این قلعه روی آن آباد شده از نقطه نظر وسعت و موقعیت بهترین نقطه تیوره است و قراریکه اهالی می گویند پیش از تعمیر قلعه بزرگ بقایای آبادی های زیاد در اینجا وجود داشت.

هنوز هم در جنوب قلعه بزرگ بطرف کوه پنج شاخ آثار بعضی عمرانات پخته معلوم می شود در خود تیوره و در دره یخن مخصوصاً در قسمت سفلی آن از عمرانات قدیم و دره اعتلای غور شواهدی باقی مانده در خود تیوره با آبادی هاییکه تازه از دو صد سال به این طرف شده خرابه های قدیم ازین رفته معذالک روی تپه های شرقی و جنوبی هنوز دیوارهای نیمه ویرانه و بعضی برج ها هست یکی ازین دیوارها از دور چنین معلوم می شود که از خشت پخته آوار شده باشد اما چون از نزدیک دیده شود عبارت است از لوحه سنگ های (سلیت) طبیعی که از دامان کوه چمن شده و با گل محلی آباد گردیده این گل که بالوحه های سنگ کار شده بمراتب از گچ و چونه ساخته تر و محکم تر است و فهمیده می شود که چطور با برف و باران های قرون متمادی مقاومت کرده است در پای همین تپه های شرقی علاوه بر شواهد بر جهاغندی هائی هم معلوم می شود سرهای سنگ های روی تپه معلوم می شود که شاید قبرستان قدیمه بوده و تحقیق این مسایل بسته به حفاریات است: چاردر ۱۲ کیلومتر از تیوره فاصله دارد. چاردر راهی است

۲۵- چاردر

که آنجا چهار دره به چهار قسمت رفته :

(۱) بطرف شمال دره بشکران . (۲) بطرف جنوب دره بشوره .

(۳) بطرف شرق دره جوز . (۴) بطرف غرب دره خرنگ .

دره شرقی را جوزگو بند. دهکده چاردر در زمان قدیم هم دره جوز

آبادی داشته و موقعیت مهم سوق الجیشی آن متقاضی است که اینجا آبادی بوده باشد. برج ها و خرابه ها به شکل غونندی بار اول درین جا دیده شد از روی تپه ها و بقایای برج ها معلوم می شود که آبادی های مترکم درینجا وجود داشت. بطرف راست متصل بر دهکده ایست و یک پارچه دیوار قشنگ با تزئینات مخصوص لوزی دیده می شود... بعد از حصه دره خشک و سنگلاخ است و این وضعیت تا (کچی کرد) و از آن گذشته تا گردنه خطیف که حدود اداری میان تیوره و علاقه داری (سباند) و (بایان) و (کا کری) می باشد و ۲۱ کیلومتر از تیوره دور است ادامه دارد از گردنه خطیف بطرف شرق افق وسیعی مد نظر گسترده می شود از گردنه خطیف به بعد در امتداد پای تپه هائیکه در سایه کوه بلند کلبی، افتاده غونندی های خورد خورد بسیار است. هکذا شوامند و بقایای خرابه بعضی قلعه ها مشاهده می شود؛ خطیف دهکده ایست بسیار کوچک و اهالی آن تیمنی است حدود شمالی را کوه پسنگان و افق شرقی آخر صحنه را سلسله کوه بلند و زیبای پسنگان گرفته است در دامنه های کوه پسنگان بقایای برج ها و آبادی های قدیمه «سبیک» بصورت خط مستقیم بطرف یکی از گردنه های کوه مذکور بالا رفته از خطیف تا دهکده «یامان» (۵) کیلومتر است و در امتداد راه سلسله غندی های یعنی بقایای آبادی های قدیمه چندین بار قطع و باز شروع می شود؛ در سمت شمال غربی یامان خرابه زار هائی موجود است که ساحه وسیعی زار گرفته است اما به خرابه های شهری نمی ماند

۴۶- یامان یا یمن

زیرا بهم پیوست و متصل نیست بلکه واضح بقایای قلعه های مستحکم و منفر در این نمایندگی می کند که بفاصله (۱۰۰) مترو (۲۰۰) متری یک دیگر بدون کدام ترتیب و پلان معین افتاده اند. مجموع آنرا اهالی تیمنی به علت کثرت بقایای دیوار های نیمه ویرانه و گله دیوال، گویند؛ خرابه های گله دیوال شکل معینی دارد عموم آروی تل خاک مخروطی دو پارچه دیوار به ارتفاع ۸ و ۹ متر دیده می شود از روی بقایای دیوار های موجوده معلوم می شود که برج های بعضی قلعه ها پلان مربع و بعضی ها دیگر پلان مدور داشته و کمان های کلان ساده در آنها کشیده بودند که مدخل قلعه را تشکیل می داد مواد عمرانی عموماً خشت است تهاداب و قسمتی از دیوارها سنگ کاری هم داشته است.

یامان یامین که راجع به خرابه های قدیم آن صحبت کردیم  
 ۲۷، علاقه پسا بند جزء علاقه ایست موسوم به پسا بند یعنی (پشت کوه)  
 این علاقه را از طرف غرب گرد نه خطیف و از طرف شرق کوه بلند و سنگان و  
 و علاقه های سپین بز، اوف، تل مستان، ییلتو، خو بنه، دا یکندی هزاره گرفته  
 و شمال آنرا دره علیای یخن و کوه بسنگان گرفته و از طرف جنوب به قریه های  
 کندلان خواجه باز و پیرک زمیندار متصل باشد. در گرد و نواح دهکده اشجار کم  
 و عبارت از چند دسته درخت بیداست بشهادت اهالی در زمانه های گذشته جنگل بید  
 تمام این علاقه را از دره سبک تا یامان فرا گرفته بود آب باریکی که از طرف وسط  
 وادی بطرف شرق جاری است به رود یا جوی الماس مشهور است اهالی دره سبک را  
 کرسی و باشندگان مجاور خرابه های یامان و پای کوه غارک را احسن جانی  
 گویند به طرف غرب و شمال غرب آ بادی های شیله سبک بجا نب شمال سرخ نو  
 و بطرف جنوب سرخ نوبالای غندی ها بقایای آ بادی های قدیمه برجستگی می است که  
 آنرا تخت ملک انتر گویند و از اینجا تا سه کیلومتر دورتر بطرف شرق خرابه های  
 شهر یامان دامنه دارد.

در حصه کوچی گر دسه را هی می موجود است که یکی بطرف غرب به چاردر  
 رفته و دیگر بطرف شرق به یامان می رود و سوم هم راهی است که بطرف جنوب  
 و جنوب غرب از فراز گزدرنه بطرف ورشک، و زرنی، و نیلی میر و در کوچی گرد  
 قلعه قدیمی است و در آن پارچه دیواری که خیلی قشنگ است تا حال محافظه شده  
 است سنگ کاری ها و پارچه های بروج و دیوارهای این قلعه ها و حتی تزیینات  
 بالای تیر کش ها از بین نرفته و هیأت فنی به کمال خوبی پلان و تزیینات و سبک  
 عمرانی آنها را مطالعه می تواند.

ورشک ۱۳ کیلومتر از یامان فاصله دارد. ورشک موجوده

۲۸، ورشک

بالای پوزه کوه عبارت از چند خانه دهانی و جوی باریک آب

و چند درخت بیداست. اینجا روی پوزه کوه خرابه های چندین قلعه مربع شکل  
 بادیه های کلفت و ضخیم وجود دارد سنگ های خیلی بزرگ در ته دایره های این قلعه ها  
 کار شده و تا ارتفاع سه متر سنگ کاری منظم معلوم می شود بقیه دیوارها را پلستری از  
 گل زرد پوشانده خانه های امروزی دهکده از مواد عمرانی قلعه های قدیم آباد شده